شهرآرا
۳شنبه
۱ اردیبهشت ۱۴۰۵
۳ ذی‌القعده ۱۴۴۷
شماره ۴۷۴۰
SHAHRARANEWS.IR

انفجار مهیب خانه در کوچه باریک

ابوعطا| صدای انفجار ظهر دیروز اهالی رسالت ۵۵ را به خیابان ریخت. افرادی که هنوز آثار روانی جنگ را پشت سر نگذاشته‌اند، متوجه شدند گردوخاک از انتهای یک کوچه باریک بلند شده است و خیلی زود مشخص شد که خانه یکی از همسایه‌ها به دلایلی نامشخص منفجر شده است. دقایقی بعد صدای خودرو آتش‌نشانی همهمه کوچه را شکست و نجاتگران ایستگاه‌های ۸ و ۳۷ آتش‌نشانی مشهد به محل رسیدند. محل حادثه یک خانه ویلایی بود که سقف آن روی سر ساکنانش آوار شده بود. امدادگران برای رسیدن به محبوسان احتمالی، بلافاصله عملیات نجات را آغاز کردند و همان دقایق نخستین موفق به نجات مردی شصت‌وسه ساله شدند که بر اثر این انفجار دچار سوختگی شده بود. با بیرون‌کشیدن این مصدوم، اوا علام کرد که فرد دیگری در خانه نبوده است. با مشخص شدن نبودن فردی دیگر در این خانه، آتش‌نشانان با ایمن‌سازی کامل محل و قطع انشعابات برق و گاز با همکاری نیروهای شرکت برق و گاز، مصدوم حادثه را تحویل کارشناسان اورژانس ۱۱۵ حاضر در محل دادند.

دستگیری قاچاقچی در کلاته‌منار

شهرآرا| مرد قاچاقچی با یک نیسان مملو از سوخت قاچاق به سمت مقصد نامعلومی در حرکت بود که مأموران پاسگاه انتظامی کلاته‌منار مشهد به این خودرو مشکوک شدند و آن را متوقف کردند. مأموران که در حال گشت‌زنی بودند، با مشکوک‌شدن به این نیسان تانکردار، با علائم هشداردهنده این خودرو را متوقف و در بازرسی از آن، ۲ هزار لیتر گازوئیل قاچاق و خارج از شبکه توزیع فراورده‌های نفتی کشف کردند. در ادامه، خودرو و راننده آن پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شد.

دستگیری سارقانی که در هپروت بودند

شهرآرا| مأموران کلانتری شهید رجایی نیمه‌شب در حال گشت‌زنی در حوزه استحفاظی کلانتری‌شان بودند که متوجه رانندگی عجیب یک راننده پراید در بولوار مفتح شرقی شدند. این خودرو به چپ و راست کشیده می‌شد و گاهی تا نزدیکی جدول حاشیه خیابان می‌رفت و برمی‌گشت. مأموران نگران از بروز تصادف و ایجاد مشکل برای دیگر رانندگان عبوری، از راننده پراید خواستند بایستد. اما انگار راننده تازه متوجه شده بود چه می‌کند و ناگهان به خودآمد و با فشردن پدال گاز، تلاش کرد بگریزد. مأموران نیز در تعقیب آن، توانستند این خودرو را متوقف کنند. این خودرو دو سرنشین داشت که پس از پیاده‌شدن، مأموران متوجه شدند هردو اعتیاد شدیدی دارند و هنگام رانندگی نیز در هپروت سیر می‌کرده‌اند. پلیس در بازرسی از این خودرو پنجاه متر کابل برق تکه‌تکه شده و تعدادی آچارآلات مسروقه کشف کردند. با مشخص‌شدن دست‌داشتن سرنشینان پراید در سرقت‌ها، هردو به کلانتری منتقل شدند. پس از انتقال متهمان، آن‌ها در چند مرحله بازجویی فنی به ۲۵ فقره سرقت کابل‌های برق و سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو در محدوده بولوار حر، پورسینا، طبرسی‌شمالی، خواجه‌ربیع، رسالت و بهمن اعتراف کردند. در ادامه، خودرو پراید توقیف شد و متهمان پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

مشتریان نیمه‌شب قهوه‌فروشی، دزد بودند

سهیل دیبا| مالک مغازه باورش نمی‌شد که دزدها با نفوذ شبانه به مغازه‌اش، او را به خاک سیاه نشانده باشند. اولین تماس با پلیس، صبح اول وقت انجام شد و مأموران کلانتری سیدی که این سرقت در محدوده استحفاظی آن‌ها انجام شده بود، راهی محل شدند. با حضور پلیس و اظهارات مال‌باخته، مشخص شد سارقان شبانه به سرقت اقلام زیادی از این مغازه همچون یک دستگاه قهوه‌ساز صنعتی سه‌گروپ، سه دستگاه آسیاب، یک دستگاه المنت، چهار کیسه قهوه، پنجاه قوطی نوشابه انرژی‌زا، یک دستگاه قهوه‌ساز نیمه‌صنعتی و... به ارزش بیش از ۴ میلیارد ریال اقدام کرده‌اند. مأموران دایره تجسس کلانتری سیدی با بازبینی تصاویر ضبط شده در دوربین‌های مداربسته محدوده سرقت، یکی از متهمان راکه فردی سابقه‌دار است، شناسایی و با هماهنگی قضایی او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌های فنی مأموران انتظامی و مواجهه با تصاویر به‌دست‌آمده از دوربین‌های مداربسته، دو همدستش را معرفی کرد و با اطلاعات به‌دست‌آمده دو عضو دیگر این باند نیز با هماهنگی قضایی طی دو عملیات مجزا دستگیر شدند و بخش عمده اموال مسروقه از مخفیگاه آنان کشف و به مال‌باخته‌ها تحویل شد. متهمان با هماهنگی قضایی برای کشف دیگر جرائم احتمالی، با هماهنگی قضایی به پلیس آگاهی منتقل شدند.

پیشگیری از تلخ‌کامی ۲۰ هزار شهروند!

محمدجواد ابوعطا| هر پکی که به سیگار زده می‌شود، ضرر جان است و چون نفسی دودآگین برون آید، شرری است ذاتی به جان دیگری. پس چرا برخی چنین خطری را به جان می‌خرند؟ سؤالی که همچنان در طول تاریخ بی‌پاسخ است. اما همیشه نباید سیگاری‌ها را مقصر دانست. زیراگاهی دردسترس‌بودن دخانیات یکی از عواملی است که افراد را به سمت آن می‌کشد. به همین سبب است که مأموران انتظامی همواره با چرخه زیرزمینی توزیع دخانیات قاچاق برخورد می‌کنند. در تازه‌ترین پرونده گشوده‌شده در این حوزه، مأموران کلانتری امام‌رضا(ع) در مشهد، هنگام گشت‌زنی در حوزه کلانتری خود، متوجه تردد وانت‌پیکانی شدند که باری مشکوک به پشت خود حمل می‌کرد. مأموران از آنجا به این خودرو ظنین شدند که برخلاف دیگر وانت‌بارها، راننده چنان بارش را مهروموم کرده بود که در دسترس کسی نباشد. فرمانده انتظامی مشهد جزئیات این پرونده را چنین توضیح داد که با مشکوک‌شدن مأموران به این وانت‌بار، از راننده خواستند خودروش را متوقف کند. راننده که می‌دانست مفری برای گریختن وجود ندارد، با تمکین به فرمان مردان قانون، خودرو را متوقف کرد.
به گفته سرهنگ محمد چراغ، با توقف خودرو، مأموران به بازرسی بار این خودرو پرداختند و توانستند ۲۰ هزار نخ سیگار خارجی قاچاق و فاقد هرگونه مجوز گمرگی به ارزش یک میلیارد ریال کشف کنند؛ سیگارهای قاچاقی که می‌توانست کام شهروندان و خانواده‌های مشهدی را تلخ کند. در ادامه، این خودرو توقیف و فرد متخلف پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شد.

دستگیری متهمی که حین مراقبت از یک زن سالمند دزدی کرده بود

دزدی در پوشش پرستاری

سعید جلائیان

گزارش

دختری جوان با ظاهری آراسته وارد کلانتری سناباد شد و گفت می‌خواهد از پرستار مادرش به اتهام دزدی شکایت کند. وقتی از این زن خواسته شد توضیحات بیشتری ارائه کند، گفت زنی را به عنوان پرستار برای مادرم استخدام کرده بودیم، اما او در سه روز کاری ده‌ها میلیون تومان پول نقد، ده‌ها گرم طلا و مقدار درخورتوجهی ظروف مسی گران قیمت از خانه سرقت کرده است. شاکی خودش را معلم معرفی می‌کرد، اما در پایان اظهاراتش وقتی از او خواسته شد مشخصات بیشتری از پرستار مادرش ارائه کند، سرش را پایین انداخت و گفت متهم یک تبعه خارجی بود و ما به جز یک شماره تلفن و یک حساب کاربری که در سایت واسطه‌گر داشت، هیچ اطلاعاتی از او نداریم. خانم معلم مدرک بیشتری برای ارائه نداشت، اما سرهنگ رجبعلی صفایی، رئیس کلانتری سناباد، با صدور دستوراتی تخصصی، رئیس دایره تجسس این مرکز پلیس را مسئول رسیدگی فوری به این پرونده و شناسایی متهم کرد. پس از صدور دستور، این معلم جوان به دایره تجسس رفت. کارآگاه جمال رحیمی، رئیس دایره تجسس این مرکز پلیس، در آغاز رسیدگی به این پرونده، از خانم معلم پرسید چطور زنی ناشناس را برای پرستاری از مادرش استخدام کرده است؛ سؤالی که خانم معلم برای پاسخ به آن توضیحات مفصلی داشت. او گفت: برادران و خواهرانم یکی پس از دیگری ازدواج کردند و رفتند. من که آخرین فرزند خانواده بودم، پس از فوت پدرم، تصمیم گرفتم در کنار تحصیل، از مادر سالمندم مراقبت کنم. من خودم را وقف مادرم کردم، تا اینکه به عنوان آموزگار مشغول به‌کار شدم. مدتی پس از استخدام من، اوضاع مادرم رو به وخامت گذاشت و نیاز بیشتری به مراقبت پیدا کرد. برای همین، با حضور برادران و خواهرانم، جلسه‌ای خانوادگی ترتیب دادم تا آن‌ها را در مراقبت از مادرم شریک کنم. برخلاف تصور من، در این جلسه خانوادگی هیچ‌کدام از برادران و خواهرانم برای نگهداری از مادر اعلام آمادگی نکردند.

جست‌وجوی پرستار در سایت واسطه‌گر

معلم جوان ادامه داد: برادران و خواهرانم شبانه دست به‌گوشی شدند و همه در یکی از سایت‌های واسطه‌گر، عبارت «پرستار سالمندان» را جست‌وجو کردند. آن‌ها در بستر این پلتفرم با ده‌ها آگهی پرستاری از مرد و زن مواجه شدند. برادر بزرگم با یکی از این آگهی‌دهندگان تماس گرفت. زنی جوان تماس را پاسخ داد و خودش را پرستاری توانمند، عاشق سالمندان و حرفه‌ای معرفی کرد. برادرم نشانی خانه را به این زن داد و او را به خانه دعوت کرد. صبح روز بعد، برادرم وارد خانه شد و با الهام تماس گرفت. حدود سی دقیقه بعد، این پرستار به خانه ما آمد. وقتی رسید، برادرم از او خواست کارت ملی‌اش را نشان دهد، اما الهام آنجا من را دید و موضوع را پیچاند. برادرم چند دقیقه با او حرف زد و سفارش مادرم را کرد. پس از برادرم، نوبت به من رسید. از این زن خواستم مدارکش را به من نشان دهد، اما او پاسخ داد که از اتباع خارجی است و کارت ملی ندارد. من با شنیدن این موضوع، به او شک کردم، اما برادرم متوجه نشد و پرستار را با مادرمان روبه‌رو کرد و رفت.

شرط‌های غریبه برای پرستاری از مادر

خانم معلم که می‌خواست به طور کامل درباره چگونگی استخدام یک غریبه برای پرستاری از مادرش توضیح دهد، گفت: این پرستار جوان با دیدن مادرم چنان رفتاری از خودش نشان داد که گویی خواهر دیگر من و دختر مادرم است. مادرم که زنی مهربان و گوشه‌گیر است نیز از الهام خوشش آمد و من هم که شاهد این رفتار صمیمی بین آن‌ها بودم، دیگر با حضور الهام مخالفت نکردم. پس از مشورت تلفنی با برادرم، به این پرستار جوان گفتم که از فردا روزی پنج ساعت برای کار به اینجا بیاید. البته تأکید کردم که حضورش به مدت یک هفته آزمایشی باشد. وقتی این حرف را زدم، الهام که خودش را پرستاری باسابقه معرفی کرده بود، گفت «خانم، من تاکنون از صدها سالمند پرستاری کرده‌ام. بیشتر افرادی که می‌گویند یک هفته آزمایشی بیا، می‌خواهند مسافرت بروند و وقتی برگشتند، بهانه‌ای برای اخراج پرستار پیدا می‌کنند. برای همین، اگر قرار است آزمایشی بیایم، به علت وضعیت ضعیف اقتصادی‌ام، از شما می‌خواهم مزد من را روزانه یا هفتگی بپردازید». من به او حق دادم و قبول کردم. الهام آن روز در خانه ما ماند، اما به طور رسمی کارش را از صبح روز بعد شروع کرد. این زن که حدود چهل سال داشت، علاوه بر رسیدگی به مادرم، پیوسته در همه نقاط خانه حضور داشت. او هم‌زمان در آشپزخانه غذا می‌پخت، اتاق‌ها را نظافت می‌کرد و خانه را جارو می‌زد. او آن‌قدر خوب کار کرد که در روز سوم، با اعتماد کامل او و مادرم را تنها گذاشتم. پس از پنج ساعت، وقتی برگشتم، ناهار آماده و خانه بسیار تمیز بود. در آشپزخانه یک آش روی گاز دیدم که عطرش کل خانه را فراگرفته بود. من که از کارش خیلی راضی بودم، برای سه روز کاری این زن، دو میلیون و پانصد هزار تومان به او مزد دادم.

کشف دزدی پرستار مهربان از پیرزن

خانم معلم که حالا خودش را زنی ساده لوح می‌دانست، درباره روز سوم گفت: پس از رفتن الهام، من و مادرم مشغول خوردن آش بودیم که صدای تلفن همراه مادرم را شنیدم. چون چشمان مادرم ضعیف شده است و دیگر نمی‌تواند ببیند، من از کنار سفره بلند شدم و وقتی گوشی او را در دست گرفتم، متوجه شدم بانک ده‌ها پیامک برداشت برای مادرم ارسال کرده است. بلافاصله به سراغ کیف پول مادرم رفتم و دیدم کارت بانکی‌اش نیست. کیف مادرم را زیرورو کردم، اما هیچ اثری از کارت بانکی او که روی جلدش رمز چهاررقمی کارت نوشته شده بود، پیدا نکردم. از مادرم درباره کارت بانکی‌اش پرسیدم و او گفت که نمی‌داند کارت کجاست. نمی‌خواستم باور کنم، اما پس از بررسی زمان اولین برداشت‌ها، متوجه شدم که اولین پیامک برداشت، دیروز حدود سی دقیقه پس از خروج الهام ارسال شده است. مجموع برداشت‌ها را محاسبه کردم و دیدم از ۲۰ میلیون تومان عبور کرده است. برای همین با عصبانیت زیادی با الهام تماس گرفتم. او گوشی را که برداشت، ابتدا منکر برداشتن کارت بانکی و دزدی شد. من با عصبانیت زیادی داشتم تهدیدش می‌کردم که گوشی را قطع و خط من را مسدود کرد. پس از قطع تماس، خانه را گشتم و متوجه جای خالی چهل گرم طلای مادرم و مقادیر درخورتوجهی از ظروف و قابلمه‌های مسی او شدم؛ اموالی که دست‌کم ارزش آن‌ها بیش از ۸ میلیارد ریال است.

دستگیری پرستار نما و کشف اموال دزدیده‌شده

پس از تحقیقات گسترده پلیس، تیم تحقیق با استفاده از ردپای به جامانده متهم در این پرونده و استفاده از تجهیزات فنی پلیس، با ردزنی مخفیگاه متهم، او را با هماهنگی مقام قضایی دستگیر و به مقر پلیس منتقل کرد. متهم در بازجویی اولیه ابتدا منکر جرائم خود شد و حتی به کارفرمایش تهمت زد که او را به ناحق اخراج کرده است، اما پس از رویارویی با مستندات پلیس و شاکی، ضمن اعتراف به سرقت، یک مال‌خر را به عنوان همدستش معرفی کرد. تحقیقات پلیس درباره متهم و کشف جرائم احتمالی دیگرش ادامه دارد.

عکس تزئینی است

رمزگشایی از سرقت ۶۸ میلیاردی که سارقش آشنا بود

خبر

محمدجواد ابوعطا| گرانی در حوزه جواهرات و طلا شیبی چندساله را طی کرد، اما سبب شد افراد عادی جامعه که تا دیروز بخشی از سرمایه خود را به طلا تبدیل کرده بودند، ناگهان متوجه شوند که میلیاردها تومان در گوشه خانه‌شان اندوخته دارند. این موضوع طمع سارقان را نیز برانگیخته و موجب افزایش سرقت‌ها از منازل مشهدی‌ها شده است؛ تا جایی که روزی نیست یک پرونده سرقت از منزل را در صفحه حوادث شهرآرا نخوانید. تازه‌ترین سرقت از یک منزل مسکونی در منطقه احمدآباد رخ داد و سارقی با سوءاستفاده از نبودن صاحب خانه، با ورود به این منزل مرتکب سرقت شده بود. براساس اظهارات اولیه مال‌باخته، سارق چهارصد گرم طلا به ارزش ۶۸ میلیارد ریال را ربوده بود.

مأموران دایره تجسس کلانتری احمدآباد با ورود به این پرونده، اقدامات فنی خود را آغاز کردند. اولین سرنخی که توجه مأموران را به خود جلب کرد، در صحبت‌های صاحب خانه مستتر بود. مال باخته در توضیحاتش درباره سرقت گفت: خانه ما تقریبا هیچ وقت خالی نیست؛ شاید سالی یک بار پیش بیاید که کسی در خانه ما نباشد. روز حادثه هم فقط حدود نیم ساعت خانه مان خالی بود. نمی دانم سارق چطور متوجه این موضوع شده است.
این اظهارات در حالی بیان شد که افسران کلانتری احمدآباد به دست داشتن فردی آشنا در این سرقت ظنین شدند. پلیس از مال باخته خواست فهرست افرادی را که به آن‌ها مظنون است، بنویسد، اما صاحب خانه اعلام کرد که به کسی مشکوک نیست. تیم رسیدگی‌کننده پرونده از او خواست فهرست همه افرادی را که به این خانه رفت و آمد دارند، بنویسد؛ حتی آشنایان درجه یک و غریبه هایی همچون تعمیرکار.
با این روش، مال باخته فهرستی از افرادی را که به خانه اش رفت و آمد دارند، روی کاغذ آورد. مأموران درباره تک تک این افراد سؤالات تخصصی پرسیدند و اطلاعات به دست آمده را یادداشت کردند.
در گام بعدی، هم‌زمان با بررسی سرنخ های موجود در صحنه سرقت، مأموران سوابق افرادی را که اسمشان در فهرست بود، بررسی کردند. پلیس با اقدامات فنی روی اسم جوانی سی ساله متمرکز شد و براساس آنچه کشف کرده بود، او از خالی بودن خانه اطلاع داشته و در روز حادثه نیز همان حوالی مشاهده شده است.
مأموران تجسس کلانتری احمدآباد پس از جمع آوری ادله و مستندات کافی، متهم را که زنی جوان است، با هماهنگی قضایی دستگیر کردند. متهم که در بازجویی های اولیه منکر هرگونه جرمی بود، در بازجویی های علمی پلیس به ناچار لب به اعتراف گشود و به سرقت طلاها اعتراف کرد و در این رابطه طلاهای مسروقه کشف و به مال باخته تحویل شد. متهم پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

جدول ۴۵۳۶

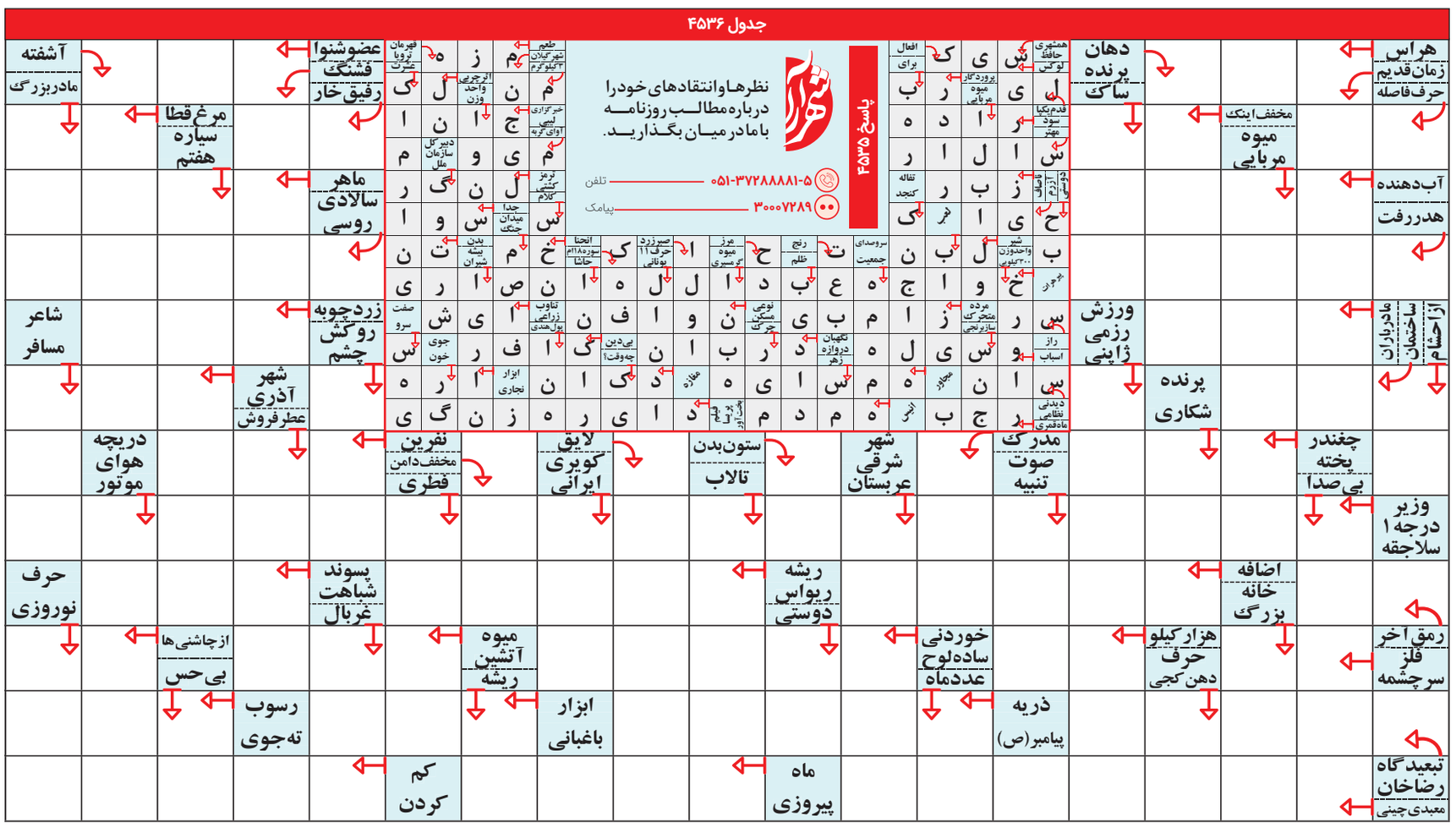

آگهی دعوت از مالکین پلاک ۹۷/۸۰۴ اصلی بخش ۶ مشهد
(باقیمانده پلاک ۴۴۰ سابق) ابرده سفلی (نوبت سوم)
نظر به درخواست نمایندگان گروه های ۳۰۰۰سهمی و به وکالت از سوی مالکین ذی ربط در پلاک مذکور مبنی بر مشخص نمودن سهم العرصه خویش در پروسه تحویل جلسه ای در تاریخ یکشنبه ۱۴۰۵/۰۲/۱۷ راس ساعت ۹صبح به آدرس مشهد بلوار عبدالمطلب ۵۸ سالن اجتماعات مرکز توانبخشی فتح المبین جهت قرعه کشی برگزار می گردد. لذا از تمامی مالکین گرامی یا نماینده قانونی (با در دست داشتن وکالت مربوطه یا کارت ملی) درخواست دارد تا در مراسم فوق الذکر شرکت فرمایند.
بدیهی است در صورت عدم حضور، جای هیچگونه اعتراض بعدی نسبت به اقدامات انجام شده باقی نخواهد بود.
مدیر عامل شرکت بهزیست نیروی شاندیز - محمدصادق کلاهی اهری

www.shahraranews.ir
اخبار روز را آنلاین بخوانید

برگ سبز خودرو سواری پراید رنگ سفید به شماره موتور 4285068 و شماره شاسی S1422290295303 و شماره پلاک ۳۱۷ د ۴۲ ایران۴۲ به نام زهره بامری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
سفید دی

افکارت را به اشتراک بگذار
تا آینده را ترسیم کنیم
شهرآرا
دفتر مرکزی: ۰۵-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۰۵۱
نمابر: ۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
روابط عمومی: ۳۸۴۸۳۷۵۲-۰۵۱
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹